

میجرلا ناطیشلا نم لهماہ ذوعاً

میجرلا نمحرلا الله مسب

توافقت مہ اب، قیداصم بسد رب، قلغم و قلم و طورشم بجاو دش ضرع ہتشدگ مسلج رد
رظن دروم تسا نکم ظاح و د ہب، دیقہ کیر رب، تسا بوجولا سفن نامہ ہک، تئیہ دیقہ و قلعت دنداد
دریگراراق لاوم

ہک دیقہ ہن آ یجراخ زارحا رد فالکم تیلعاف نودب و فالکمل امعا نودب، دیقہ ن آ قحتل و ا ظاح
مدرک طورشم و قلم، بلط، نامہ زا تسا ترابع ہک ار مکد، عراش و تسا قلم بجاو نامہ نیا
موجرم حلاطصا رب انب صاخ قلم بجاو حلاطصا ن آ نوزع ہب ہن مینوگی مہ ہک قلم ام لاج) تسا
ہماسہ نیا . ل عاف تلخد نودب، دیقہ نامہ ہب (ی حلاطصا ہن ن آ یوغل یانعم ہب طقف، ہن لوصف بحاص
دناوتی م لاوم و عراش نایب دوح، دراوم نیا ہمہ رد مینک ہدافتسا میناوتی م عراش نایب تیفیک زا ام ار
رظن رد ار ی ظاح ہچ تسا ہدروا ہک ی دیقہ نیا یار ب عراش ہک دھدب ناشن ناسنا ہب ار دیقہ ظاح تیفیک
تسا بوجو یار ب دیقہ، دشاب ہدام نامہ ہک، بولطم یار ب ایب تسا ہدروا بلط یار ب ار دیقہ، تسا ہتفرگ
طورشم ار بلط ظاح عراش ہک مینیبی م تاکز رد ایب سیمخت دروم رد لائم ہب انم؟ مارکا یار ب دیقہ ای
میراد س مخرد لائم، دراد ریثات عراش ظاح تیفیک رد نیا و تسا ہتسناد باصن دھل ام لوصد ہب
دش مہسقت فالتم مہسق و د ہب س مخ اذل، دریگی م قلعت س مخ ن آ ہب دسر ب ہنس ہنوؤم زا دناز ہب ل ام رگا
کذل لاثماو برحاراد مئانغ و صوغو نداعم ہب طوبرم یرگیڈ و تسا بساکم حابرا ہب طوبرم یکی
ہب ہکلپ دشاب ہنس ہنوؤم زا جراخ دیاب ہک میراد ذفرع رد ی نعی تسین ی الماسہ نینچ اہنآ دروم رد ہک
دش ہنیز ہ اج نیا رد ہک یجراخ ن آ، برحاراد مئانغ ایب ندعم جارختسا ایب صوغ جارختسا درجم
دز ادرب ار ش سمخ دیاب، ناموت جنپی تد دشاب ہک رادقمہ ی قباہ و دوش ی م ہتشدگ رانک، تسا

مدرکن سیمخت ار ن آ انا دتبا اجنآ رد عراش دنکی م قرف بلطم مینیبی م بساکم حابرا دروم رد ی لو
، ہنس ہنوؤم رب ی دایز مظلما تیفیک نیا، تسا ہدش مظلما اجنآ رد ہنس ہنوؤم رب ی دایز ہکلپ تسا
سیمختلا س قدر عراش رظن، تسین س مخ تیمک رب عراش رظن ہک دنکی م ہنار ناسنا ہب ار ہماسہ نیا
دناز دینک ضرف ہتشدگن ی دھ ہنس ہنوؤم زا دناز رد و، ہنسلا ہنوؤم ن آ دناز لابل املا غولب دنع، تسا
ی زرم و دھ عراش، ناموتود، مہ تقو کیر، ناموت دص مہ ی ہاگ و تسا ناموت ہدی ہاگ ہنس ہنوؤم زا
زارحا و س مخ زارحا ہب تبسن ناسنا تیلعاف تیفیک رد ہک تسا ہتشدگن ہنس ہنوؤم رب ی دایز یار ب
ردقچ ہنس ہنوؤم نیا ہتفگ، دشاب دھاوخی م رادقمہ رھ ہنس ہنوؤم رب دناز ہتفگ، درانگبر تا دھاوخب چہر
بوخ، دشاب دھاوخی م چہر ہتفگ؟ ہن ایب؟ دشاب ناموت دص لائم، ہنس ہنوؤم رب دناز دیاب امتد ہتفگ؟ دشاب
ہماسہ روط نیمہ و دوشی م دایز ہنس ہنوؤم رب دناز ی تقو کیر دوشی م ادیب ی ہنس ہنوؤم رب دناز لاج
امتد ہک تسا ہتشدگن باصن غولب یار ب ی دھ عراش اجنآ رد ہک تسا تاکز رد باصن غولب مہربرد
دش رادقمہ نیا دراد تاکز، دیسر دادعت نیا ہب ی شاوم رگا ہک ہتفگ، ہن دسر ب اتدص ہب باصن غولب دیاب
دھاو عی شدن آ و دنک صخشم و دودحم ار ی دھاو عی ش کیر ہک نیا، دراد تاکز دش رادقمہ ن آ دراد تاکز
، تسین روط نیا تاکز دروم رد ہن دھدب رارق باصن غولب یار ب نازیم ار

از این جا ما استفادہ می کنیم کہ خود نفس حصول قید، مورد نظر شارع بہ عنوان شرط واجب
نیست، حصول قید بہ عنوان شرط الوجوب است، یعنی اگر این قید حاصل بشود طبعاً این مال نسبت بہ
او تعلق می گیرد، زکات نسبت بہ او تعلق می گیرد، چطور این کہ ما در مورد زکات سائمه یا معلوفہ،
احکام مختلف داریم مثل: فی الغنم السائمه زکاة و فی المعلوفہ کذا حکم معلوفہ و حکم سائمه، در کیفیت
زکات، می بینید فرق می کند، معلوفہ و سائمه بودن کہ در اختیار مکلف نیست، حالا یک وقتی اراضی،
اراضی خصبہ است و باران و مطر بہ نحو غصارة آمدہ، لذا در این جا نیازی بہ علوفہ دادن نیست یک
وقتی نہ، باران نمی آید و صاحب مواشی ناچار است آنها را تعلیف کند و آنها را معلوفہ نماید، و با

این کیفیت دیگر زکات به او تعلق نمی‌گیرد ، در این جا حکم شارع بر وجوب زکات در سائمه، در اختیار آن فرد نیست، حتی ممکن است بگوئیم که در اختیارش هم هست و او، هم می‌تواند اغنام و مواشی خود را در اراضی و بیابان هایی که با باران، علف های آن رشد کرده به چرا ببرد و رعی کند و هم می‌تواند بگوید نه، نمی‌خواهم آنجا ببرم بلکه آنها را در همان مواقع و جایگاه های خود شان نگه می‌دارم و پول می‌دهم و علف می‌خرم می‌خواهم این کار را بکنم، اصلاً باران هم آمده، من نمی‌خواهم مواشی خودم را آنجا ببرم، شارع که نگفته حتماً ببر، شارع فقط آمده معلق کرده است این وجوب را بر سائمه بودن، نگفته که حتماً مواشیت را ببر به آنجائی که سائمه است تا با آن مواهب طبیعی و سماوی رعی بشوند در این جا ما از بیان شارع در کیفیت نصاب و در کیفیت رعی و در کیفیت بیان ارباح زانده و تخمیس بر مکاسب استفاده می‌کنیم که وجوب خمس یا وجوب، زکات به نحو واجب مطلق نیست بلکه به نحو واجب مشروط است، یعنی قید به نفس الوجوب خورده است نه به واجب، واجب، واجب است این واجب مشروط الان نه به نحو وجوب فعلی بلکه به نحو مستعداً للتکلیف و به نحو فردی که استعداد برای تکلیف را دارد فقط به همین مقدار تعلق گرفته، نه بیشتر. (الان این وجوب تخمیس برای ما هم هست، منتهی آیا ما ارباح مکاسب داریم یا نداریم؟ ممکن است تا آخر هم نداشته باشیم، ولی به نحو استعداد و قابلیت، که با آن بیان آن روز که قدرت به عنوان قدرت فلسفی بود در آنجا خوب فرق می‌کند).

س‌اسحا ار بلطم نیا عراشد نیا تیفیک زا ام و ،تسا طورشم بجاو ، بجاو نیا اج نیا رد ،هدرک عراشد هک نیاید ،تسا هدرک عراشد دوز هک یاهلثم و هدر و آ هک یدهاوش و نثارق زا ،مینکیم هب نأ بوجو جارختسا و عازتنا نیا رد اه نیا همه هدرن نیا یه نوگچ تاییا رد هدرن نیا یه نوگچ تیاور صخشم بلطم میدز هک لاثم ابرگید و دراد ریثات هیضق نیا رد قلطم بوجو ای طورشم بوجو و حذ لهنیا و تاکز و س مذلثم تسا

هک یماکان آ رد دینک ضرر ف میئوگب رگید در اوم ی لیخ هب تبسن میناوتیم ام ار هلاسم نیمه داهج ،دنکیم قرف عاقد ابداهج ،داهج مکذلثم ،تسا ملسا هیلع موضع ماما روضد رب دیقم و بترتم طیارش رد داهج ،ملسا هیلع ماما روضد و تسا ملسا هیلع موضع ماما زا صاخ روتسد رب قلغم هتبلتا تسین ام رایتخا رد رگید نیا هک روهظ نامز ،تسین ام تسد هک ملسا هیلع نامز ماما روضد هیفیلکت ماکا کب طقف اه نیا نم رظن هب نکیلو دوشب ادیب هک نیا ات مینکب مهارف ار طیارش دیاب هک میراد هب متسد رگید هک مایاسمه نأ نک تسرد ار مدوخ میایی لاد نم لاو دروآمی یدرف ره یارب هیصخش ار مدوخ لاد نم ،دشاب فلاخ دهاوخی می هک یصخش لاف ،دنامب بارخ دهاوخی لاد و ا دسری من و ا همه رب روهظ یارب ایته دنا هدمرف ملسا مهیلع همنما هک ی تاروتسد نیا منکیم لایخنم اذل ،منکب جلاص ناونع هب بجاو فیلاکت ،فیلاکت هک نیا هتسا هیصخش فیلاکت کب طقف یگمه ،تسا بجاو و مزلا زا یهذ و فورعم هب رما یلک و حنب هایق هک رگید لئاسم هب عجار ی تد ،دشاب ایاضق نیا هب تبسن هایق ی دج و حیحص تیاور ام دش ضرع هیضق نیا هب عجار هتشدگ زوردنچ هک یروط نامه تسا رکنم و رایتخا زا جراخ هک تسا ی هلاسم کب روهظ هلاسم هصلاخ ،دریگب رارق ل مات لحم دیاب هک میراد .تسام تیلاعف

الان این همه دول در عالم هستند که این ها همه به راه خلاف می‌روند ما که نمی‌توانیم برویم آنها را اصلاح کنیم و دستمان نمی‌رسد که اصلاح کنیم خیلی زورمان برسد خودمان حداقل دروغ نگوئیم دیگر کلاک سر مردم نزنیم، خدعه نکنیم، ریا نکنیم، نفاق نکنیم، خودمان را خلاصه درست بکنیم و با یک گل هم گلستان نمی‌شود پس بنابراین مسأله ظهور مشیت و تقدیر الهی است که باید در جایی خود و در وقت خودش انجام بگیرد و آن کما ملئت ظلماً و جوراً در همه عالم این ظلم و جور باید عیان باشد، البته ما هم نمی‌گوئیم مثل بعضی‌ها که از آن طرفی افتاده اند و می‌گویند حالا که منوط به ملئان ظلم و جور نسبت به همه عالم است پس بنابراین ما هم در این ظلم و جور خودمان دخالت کنیم و جلو بیاندازیم و

بیشتر انتشار ظلم و جور کنیم، خدا رحمت کند مرحوم آقای حلبی را، خدایش بیامرزد، آدم خوبی بود، انجمنی داشت. خبر روی حسابهای خودش بر علیه بهائیت و این ها ایشان مبارزه می‌کرد، طبعاً يك اختلاف سلیقه‌هایی داشت، در يك مجلسی یکی از دوستان که خودش در آن مجلس بود نقل می‌کرد، می‌گفت: صحبت از این شد که این انجمن حجتیه، این ها قائلند به این که باید انتشار ظلم و انتشار فساد بشود البته چنین حرفهائی نبود ما هم آن موقع بودیم و این ها را می‌دیدیم و این ها از دوستان ما بودند، خوب تهمت می‌زدند و واقعاً به این انجمن حجتیه تهمت زدند و این طور هم نبوده، البته از نقطه نظر سلیقه و فکر این ها قائل به این بودند که نباید يك مبارزه علنی با دستگاه طاغوت باشد، باید به این کیفیت باشد که مثلاً مبارزه به نحو مبارزه دینی و مکتبی باشد که مبارزه با بهائیت و فلان و این هاست، حالا راست می‌گفتند یا نه، يك مطلب دیگر است ولیکن این طور نبودند که این ها بخواهند خدای نکرده مسیرشان مسیر خلاف باشد و راهشان راه ضد دین باشد نه، این مطالب نبود، خوب يك اختلافاتی هم بود و مشخص است که بر اساس اختلاف سلیقه کم‌کم همه جور مطلب و حرف و نقلی هم پیدا می‌شود و همه جور وصله‌ها هم به انسان می‌چسبند، همین قدر بدانند که ما از گروه و طائفه آنها نیستیم دیگر هر کفر و تکفیر و ارتداد و اینها به انسان نسبت داده می‌شود ولی همین‌که بدانند ما از این ها هستیم اگر هر چه بگوئیم باز هم حمل بر صحت و توجیه خواهد شد و همیشه همین طور بوده خلاصه این بیچاره‌ها مثل این که بد بیاری آورده بودند. ، این آقای حلبی گفته بود «یعنی آقایان می‌گویند ما در این جا فلان پروری می‌کنیم؟» يك اسمی آورد بود که نمی‌توانم بگویم اشاره به این معروف الحالها گفته بود «آقایان تصورشان این است که ما در این جا این گونه افراد را پرورش می‌دهیم برای این که انتشار فساد بشود انتشار ظلم و از این حرفها بشود».

دیزی به دیدرک ادیب مه ار دیزی رگا ما هتفگ هشیمه ن م دشاب قداصد و تسرد دیاب ناسنا هشیمه هنافساتم امن لا و هدرک دینوگذتسا مدرکنه کیراک، دینزند تمهت دندرو آ رگا مه ار رمشد، دینزند تمهت یبُزَحَد دنسیونمی یاهقیلس دنتسینی نیما ییاه ملقا ه نیا دنسیونمی خیرات ن لا که ییاهم لق مینیبی مذار نیا ییاه خیرات نیا به تبسن ناسنا و تیعاو ابق بطنم هذ، دوشمی هتشنو یبزد ام ییاهه چخیرات، دنسیونمی درادن هقلاء و دامعا دوشمی هتشنو که

زا که یی تیصخش ن آ زا درجم حور نیا رد تشون درجم حور لکی ام ردپ موحرم دینیب ار خیرات! دش رتنورطم دارفا ن آ همم زا ادعب که یی تیصخش ن آ زا؟ دود یی تیصخش مادک درک فیرعت رتشیه همم تفگ، تفگ ار اجود ره، هلحرم زانیرت طحنم رد دعب و برقت و لاصتا زا هطقن نیرت لابلارد لوا ینعید رفسرد یی تد که دیسر یی ناج به دعب و تشاد ار تافصد نیا دود نیا ش تایصوصذ دود نیا لوا نیا مه دنکی مسامتلا هچ رهو دننکی مذ مهش یانتعا بیتخ، ناشیا تممذ دیآمی می تقو درف ن آ دندوب ناشیا که یجد ن م دوشن تسرد اجنآ ات و دینک تسرد لابرک زا ار ناتراک دیاب امش که دنیوگی مه وا به و دننکی مذ انتعا یی تقوی لو، ی دایز تاطابترا هچ و لاسن ایلاس یی ناج ناج و ی میمص قیفر ود للاح، دنکی مذ انتعا امش به! امامت و دود قذ طقف، دوبن ناشیلا دزیچ چه ن اگر زب رگید، دیآمی ولج قذ هلاسم

لاصا، هتفگ فلاخار یی بلطم که مینیبی مه ار یی سک لائم، رخا رخا میتشاندگ ار قذ ن آ ام، هذام یی لو مراچیبت تخدب، رخا اتل لوا زا یی تشرد نیا به مینکی مه مانزور رتیب نانچاقا، هتشانذ مه یی دصق تخدب مینکی مه لایذ و مینزی مه تلادع و ادخ و ملاسا زا مد تقوناً هتفگ یی بلطم مدرکن یراک مدزنی فرد ادخ به اباب؟ دنمهفی مذار ه نیا،! دنمهفی مذ مدرک فری یوتار ش الملک کبک لثم تساروک و رک ایند همم زمانم به دومرف ملاسلا هیلع داجس ماما، دننکی مذ ماگنم مزور و زمانم به دنتسه مدآ مه اهنا، دنراد مهف اهنا ماما فرد نیا تسین مدنب فرد نیا، دینک ماگن قذ صد به، دینک ماگن تناما نسد به دینک ماگن مزور و دود ن لا ملاسلا هیلع داجس ماما رگا دینک ماگن ناشدهت و تناما نسد و مدرم قذ صد به، تسام مرا هچ امش همم تفگی مذ؟ لئاسم نیا و عضو و تانایر ج نیا به؟ تفگی مه هچ عاضوا نیا به، ناریا نیمه رد دیوگی مه ار نیا، درجم حور رد لادلک یی لء؟ دزی مذ ار فرد نیا؟ نایعیش امش؟ دیدیدنخ امش پیر به

فاسد دروآي مي بلطم هنوگره دنك هئطخت هك نيا هئ دنك مي هئطخت هدنسيون نيا ديايي م ار ش دوخ ي تد يم ،تسا نيا نم داتسا ديوگي م دنك ي فرعم ار ش داتسا دهاوخي م هك ي تقو ي نعي ،دنك ي م ناييد فافشد و يم متسه نم ،اهنتو و كت ،متسه نم ي لو دنكي منقرف نم ي ارب دورب ،دورب دهاوخي م رگا م ه نيا ديوگ و دش دورطم و دما هئ ديوگي م ددرگي م رب قرو هك ي تقو ي لو دنامي م رفد كئ طقف و دورب دورب دهاو ش ياهفرح هب و خيرات نيا هب رگيد مدأ ،دامتعا دروم خيرات دوشي م رگيد خيرات نيا دش مامت تفر و نلاف يور زا هدمانرد ه دشنييعت لبق زا ياهه مانرب يور زا هدمانرد ضرغ ا ب ش بلاطم هك دنكي م دامتعا ه دشني هتشنو ضرفش پي

ي لادر ! دروآي منام ردي موحرم زا ي مسا ي لو ،دلج دنچ ،دسيوني م بلاقتا خيرات دلج دنچ اقا رتشييد ،تسا باتك و باسد اب ؟ ارچ ديناد ي دروآ ي منارچ ،هدوب ناشيا رسريز تاناييرج نيا لصا هك رد ش دوخ و دسيوني م باتك هك ي ياقا نامھ ... دننشون ار خيرات و دنما خيرات لوط رد هك ي نيخروم خيرات ضرغ اب ام نيخروم هك تسا نيا دنكي م دراو نيخروم هب هك ار ي لاکشا نيلاوا باتك نأ مدمقم هب عجار دنكي م تبحص هعمج زامنرد اقا نيمه دوخ ،دنا هتشنو رظن راهظا ابو ي ا عقيلسو دنا هتشنو ! دروآي منار اقا موحرم مسا و دوب ملاسلا هيلع نيسد ماما ناديم رد هعقاو نلاف لحم ديوگي م و اياضه رد ي لو دوب اجنا هدننکه رادا ام ردي ،بلاقتا رد دوب ملاسلا هيلع نيسد ماما ناديم رد هك ي ياجنا ابا رد نامدوخ ادعب مينكي م ضارتعا ناييرج كئ هب تبسن ام ! دروآي منار ناشيا مانا كئ ش ياهت تبحص ار نامدوخ دياب ام نكيلو دهدي م ناشن ار لئاسم ديايي م ادخ هر خلااب هتبلأ ! ميوشي م راتفرگ هيضق نأ مينك تسرد

نأ طارتشا و ديقق و قيلعت تيفيك زا ،ديق كئ رب دنكي م قلع لوم ار بجاو هك ي تقو نيا ربانب سپ يم اج نيا رد ؟ بجاو طرش ايتسا بوجو طرش ،ديق نيا هك دنكي م ساسحا ناسنا ،ديق نأ هب بجاو طرش ،تسيند مزلا ناسنا يارب م ه ش ليصحت دش بوجو يارب طرش هك ي تقو اذل ،تسا بوجو طرش مينيب دش ادب ضرغ نيا رگا ي نعي ،رگيد تسا بوجو

هك نيا ربي ليلد چيه نيا ،رگيد دش ،دشن رگا بخ ديهدب ماجنا ار راک نيا دياب دينك ضرغ امش ؟ دراد ي تيصوصخ هب طورشم بجاو سپ ، طورشم بجاو دوشي م نيا تسيند ديورب لابند امش دوخ تسا بوجو طرش ،طرش نأ دروآي م لاوم بجاو يارب هك ار ي طرش هك تسا نيا ش تيصوصخ نيلاوا زال بق ،هدوب روطن نيا نأ زال بق ،دوشي م هدنز بوجو نيا ،طرش نأ ققحت رد ي نعي ،بجاو طرش هئ ي شكدوخ رگا ،نيا زا رتلااب دينك ي شكدوخ دينك ضرغ ديناوتي م لاصا امش ،دوشب ادب طرش نأ هك نيا تامدقم ديناوتي م ديرب نيد زا ار بجاو نأ يارب طيارش ،نيناپ ديز ادنايب موک زا ار ناتدوخ دشابل لاد يم نيا دينك ي فتمم ديناوتي م ار لوصو يارب لئاسو نأ ،ديرب نيد زا ار ديق نأ زارحا و نديسر يارب ،بوجو يارب طرش دوش

نامز نيا هنام غولب هب تعاس كئ ي نعي دراد هگزار نامز دناوتب ي اهچد كئ رگا دينك ضرغ بجاو ،بجاو دراذل لاکشا تسا ضرغ فربانب شا همھ ماه نيا مينكي م ضرغ دسرغ غولب هب ات دراد هگزار تسا طورشم

بوجو اجنا رد ش طورشم هئ و ش قلطم هئ تسيند اجنا رد ي بوجو ي لکرو طباً لاصا هك ميتنگ هتبلأ تيصوصخ دروم نيا رد ي لو ،باجيا بلسو و لباقتن اونه هب هئ تسا هکلمو مدع ن اونه هب بوجو مدعو و هدام طرش هئ تسا تبه طرش ،طرش نيا دوشي م دروآ بجاو يارب هك ي طرش هك تسا نيا لوا ،لوا هلاسم نيا رومأم طرش هئ تسا رما طرش و بولطم طرش هئ تسا بلط طرش

قلعت يارب طرش ليصحت هك تسا نيا دوشي م ظا طرش بجاو رد هك ي مود ي تيصوصخ م ه ش رادقم رد دنك ليصحت دناوتي م و دنك ليصحت ار طرش نأ دناوتي م ،تسا فلکم رايخا رد بجاو هئ ش بساکم حابرا رگا دريگي م قلعت و ا هب رما نأ دايژ بوخ دنك ليصحت دايژ دينك ضرغ روطن نيمه سمخ دياب ار ش نوپليم تسبيد دشاب نوپليم دص رگا دشاب رتشييد دهدب سمخ دياب ش نوپليمود دشاب نوپليم

مهاوخي مندر تشيب و مهاوخي من نويليم كيه مزادنا هب ديوگب و دنكذ راك دناوتي متسا شرايتخا رد نيا دهدب
ملاك ار مرسي سكا ت منك داييز ار مهفه و مناوخب خيرا ت رتشيپ و منك معلطم مهاوخي من رتشيپ هكلب منكر راك
نارگيد هچب و نزيار ب، رگيد دارفا يارب مرانگب و منكر راك مورب مهاوخي من درانگن

ميهدي من حاجنا ناشيار بنامفيلكت مزادنا هب ام، دراد ادخي سكره دنراد ي نادخ مه اهنأ مرخلااب، هلب
نامباصعا رگيد، ميرانگب هيام مينايز رگيد نأ رب هفاضا رگيد ي هنته دهدب حاجنا ديايب ادخر رگيد، شا هيقب
نامه ميراد فيلكت و هفيظو هك ي رادقم نأ، هن، مينزب ار نامباوخ مينك نلاف ار ناميگدنز مينك بارخار
ميهدي من حاجنا رادقم

ي مني ديق رب قلمع ار مكدنأ تا قوازا ي ضعب رد لاوم لاج. تسا طورشم بجاو هب طوبرم نيا
لائم نأ رد ات منزي من لا لائمه كيد، تسا بجاو يارب ديق هكلب تسين بوجو يارب ديق، ديق نأ هك دنك
ي لائمه نيمه) همركاف ديز كئاج نا مينوگي من. دش صخش لوا هيضق، دوشب نشور هيضق و د نيا
بلط يارب ديق ديز عي جم هك نيا يكي: دنك ظاحل ار نيا دناوتي من لاوم روجود اج نيا رد (دنا مدز موقه هك
دنكي من حرطم تروص كيه هب اج نيا رد دنكي من حرطم دنراد موقه هك هچنأ، بولطم يارب ديق هن تسا
منك ميسقت ار نأ مهاوخي من مني لو

رد ديز رگا همركاف دلبل اذه ي ف ديز عاج نا ديوگي من ديوگب ار نيا دهاوخي من لاوم ي تقو كيه دينيب
نيا رد ديز رگا هك تسا نيا ش يانعم دلبل اذه ي ف ديز عاج نا ديوگي من هك نيا، نكب ش ماركا دمأ رهش نيا
نوچ و دنك ماركا وازا هك دراند اج نيا رد ار ي سكونوچ دويد مانپرس ي نوچ تشادن ي ئاج نوچ دمأ اج
تسين بجاو ديق، ديق رگيد، دوشي من بوجو ديق، ديق اج نيا رد سپ هماركا كيلع بجيت تسا بيرغ
تسا طوبرم ديز هب درادن ي طابترا لاصا مه وت هب، تسين وت رايخوا رد نيا اج نيا رد ديز دنما ي نعي
يارب ديق دلبل اذه ديز عي جم نيا سپ هماركا كيلع بجيت دمأ رگا ديايز دهاوخن دياي من مق ديايب دهاوخب
، دراند طابترا من هب نوچ مروايب دلبل اذه ار ديز هك متسه فلكم من هن تروص نيا رد و تسا بوجو
لاس كيات رگا همركاف دلبل اذه ي ف ديز عاج نا تفكر روايب رگب ار شتسد ورب وش دنلب تفگ هك لاوم
ضرف هك نيا لثم همركاف تسا بيرغ نوچ دمأ رگا ي لو، تسين مه ماركا دمايز بوخ، دمايز مه رگيد
ميراد هبولق هفلوما دروم رد دراوم زاي راييب دروم رد ميراد لبيسلا نيا دروم رد هك ي رماوا دينك
ميراد كئذ لائما و ارقف يارب بجاو تا قصد و تاكز و مرطف عفد بوجو و ارقف دروم رد هك ي دراوم
تسا بجاو ريقف هب تاكز عفد نيا رقف دوجو تروص رد ي نعي تسا قلمع بجاو، اهبوجو نيا مامت هك
يوت منزب ردق نيا، منك داجيا ار رقف مورب ديايز هك من رگيد تسين بجاو تاكز رگيد دوبن ريقف رگا لاج
ار تاكز، لوپ نيا مر بناتسر اميب هب ار وتايب ي دش ريقف هك لاج ميوگب دعب و دوشب تخدب ات ي كيرس
نيا قباس رد رگيد ي اهرهش زاي ضعب رد رگيد ي اهاجر د اذل. رگيد ي كيه هب هب و رب بخ؟ منكر راكچ
دن ريقف همه هك دوبن لا لثم دوبن ريقف رهش نأ رد دهدب ارقف هب دننساوخي من ار تاكز ي تقو هك دوبن روط
ناسارخ زار تاكز، صخش ميراد تياور رد، دندادي من دنربي من رگيد رهش هب رهش كيزا عقوم نأ رد
ريقف ناسارخ ريسم مامت رد دادي من ي ر هب و ديسري من ي ر هب ات دماي من ار اهرهش ي كيه ي كيه تشادي من رب
عاضوا بوخ، دنتشاد ي لغش، دنتشاد تعنص، دندر كي من راك اي دنتشاد ت عارز همه بوخ، تشادن دوجو
،دوبن ناموت نويليم كيه و ناموت راز هصتسه هناهام هناهام راجا، دوبن روط نيا جراخم، دوبن روط نيا
ي ناموت كيات دصتفه هناهام راجا تسا قباس نامز ام ي گلاس هدفه ميراد غارسام هك ي نامز قباس نامز
!تسا مدركن ي توافتي ليخ و ربارب راز هود اي دراند ل اكشا تسا هدش ربارب راز ههدشن ي زيچ لاج دويد

ات دوشب لصاد دياي ناونع نيا تسا رقف هب طورشم و ديقه و قلمع اج نيا رد بوجو نيا سپ
رياس زار تاكز لزع و تاكز ن تشانگرانك لصاد دوشب لصاد درف هب تبسن تاكز عفد بوجو
رقف رگا لاجد تسا رقف دوجو هب ديقم نيا ل او ملا اذه عفد تسا عفد رد تبص ي لو، بجاو نيا ل او ملا
عفد، دوبن ريقف ميربي من رقف يور ار ثحب طقفا م ي لو دوشب نيز گياج تسا نكم رگيد نيواع هتبللا دوبن
بوجو قلعدي يارب؟ تسينچ يارب نيا دنك ادبي تسه رگا ي رگيد دروم ددرگب دياي ناسنا، تسين بجاو

يولج دناوتي م ناسنا اج نيا رد تسا بلط ي ارب ديقه اج نيا رد عي جم سفن ي نعيه تسا ديز عي جم رب
 مينوگي م نارهتر دن مامقير هب ام مقه ديايد دهاوخي م تسا نارهتر ديز دينك ضرر ف دريگب ار ديز ندمآ
 و ميراد ي سورع هناخر د ميراد ي يانبد هناخر د لاعف ميرادن هطصوح ام راد هگن نارهتر د ار وا زور دنچ
 ار شرس اج نمامه ،موشي م رس رب كاخ رگيد و منك ماركا ار وا تسا بجاو ديايد وا رگا مه تخدب ن م
 ،تسيند بجاو نوچ ؟ ار چ درادن لكشا نيا ،ربي ي داشد كراپ رب ميظعلادبعماش ، ربي ش درگ هب و نك مرگ
 ي م امش ي لو دياي م بجاو اج نيا رد عقوم نآ ،دشل صادق نيا رگا ،تسيند بجاو ديز عي جم ليصحت
 نيا رطاخ هب ديه او خب تسا مارح نادنز ،ديز ادنيذ نادنز تقو كيه متبلا ،يريگب ار وا ندمآ يولج ي ناوت
 . دينك ش ماركا ،دينك مرگ ار شرس هن ،نادنز ديز ادنيذ اه

همر كاف ديز كئاج ن ا تسا بجاو ي ارب ديقه هكلب تسيند بلط ي ارب ديقه ديز عي جم هك تسا نيا مود
 ي نكب ماركا ار وا دياب و تدمآ ديز رگان دما ضرر ف رب مهاوخي م و تزا ار ديز ماركا اج نيا رد ن م ي نعيه
 بيرغ درادن طابتران م هب درادن ايد دراد مانپرس مرادن مانپرس هب ي رباك هدمآ ش دوخ تساوخ هب نوچ
 ي ابدما اج نيا هب ديز رگان درادن طابتران م هب هب ايد دنكي م ش ماركا ي سك درادن ي طبرن م هب هب ايد تسه
 اج نيا رد ي لو وا دهع رب تسا هدمآ اج نيا رد ماركا بوجو س ي نكب ماركا ار وا دياب امش ن كوخ
 رگيد زيچ كيد و دنر كن ركن موقه هك تسا ي زيچ نآ نيا دنك تعنمام دلبلل ي ف ديز روضد زا دناوتي م
 هدمآ لاوم هچرگ اج نيا رد س ي تقيد موس تروص ،تسا نيا زا رت يقيد نآ ميوگي م ادر ف هك
 دياب ،راد هگن نارهتر د ار وا ي ئوگي ي ناوتي م امش ي لو هدر ك ديز عي جم رب ديقه ار ماركا بوجو
 تسد نآ دينك ش راضحا ديايد امش هك تسيند مزلا وا راضحا ،دينك ش ماركا ،دمآ هك ي تقو ديايد ش دوخ
 تسيند بوجو ي ارب طرش عي جم نيا اج نيا رد نوچ ؟ ار چ تفرگ دوشي م ن ا ش يولج ي لو تسا ش دوخ
 مركا ،دنامي م نيا لثم تسرد تسا ديز عي جم ،بجاو نيا ققحت فرض ي هنتم ،تسا بجاو ي ارب طرش
 سيمخلا هليلزا ي ريگولج ديناوتي م امش ي لو هن ؟ تسد امش رايخوا رد رگم س يمخلا هليل س يمخلا هليل اديز
 ،قلمم بجاو دوشي م امش هب هب سنلاپ س يمخلا هليل ديايد س يمخلا هليل ديراذگب دياب ،هن ؟ ديناوتي م ايد دينك
 دوشي م امش هب تبسن بوجو نيا ،امش رب تسا بجاو نلا زا ي لو تسا س يمخلا هليل ،بجاو فرض
 ،امش دهع رب هدمآ نلا زا ماركا بوجو اج نيا رد ،تسا س يمخلا هليل مه ققحت فرض ،قلمم بوجو
 هد ولو دعب لاسد كيد ولو دما هك ي تقو ؟ دنكي م اديپ تيلعف نيا ي ك ،ديريگب ديناوتي م ن ا ش يولج امش
 ي موس مسق كيد ،دنامي م س يمخلا هليل لثم ام ل اثم نيا رد اج نيا رد نيا ، دعب لاسد ص ولو دعب لاس
 .الله عاشنا ادر ف ي ارب دشاب هك نيا زا رت يقيد ،تسه

دمحلأ و دمحم ي اعي لصد مهللا